

## آیات الاحکام ۲

### نشست دهم

شانزده دیماه ۱۴۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

در نشست قبل ما راههای فرضی اختصاص را بررسی کردیم. دو راه را بدون این که جواب دهیم مطرح کردیم.

یکی قاعده درء بود؛ تدرء الحدود بالشبهات؛ یکی ممکن است بگویند شبهه مهم یکی از آن ها همین است که اجرای حدود اختصاص به عصر حضور داشته باشد. دوم این که یک بحث فلسفی فقهی است؛ یعنی این شبهه، یک بحثی است که زیر مجموعه بحث فلسفه فقه است. شریعت، یک بسته است اگر بناست که اجرا شود، باید همه آن اجرا شود.

سوم این که بحث نبود فقیه بود که اشاره شد و چهارم هم عناوین ثانوی .....

کسی بگوید اجرای حدود مخصوصا برخی از اشکال آن مثلا رجم یا قطع ید سارق این ها خشن است باعث فاصله گرفتن مردم از دین می شود. مخصوصا ابزار اجرا ..... که اثباتش یا چهار بار اقرار یا چهار عادل .....

حضرت امیر علیه السلام در دو روایت می فرمایند حد را در بلاد کفر جاری نکنید .

همیشه در برخی مسائل افراط و تفریط بوده است متأسفانه ؛ به گونه ای که افراط در هرکاری چه در اجرا و یا نحوه اجرا مجوز به تفریط می دهد و تفریط هم همیشه مجوز به افراط می دهد. این دو مثل دو لبه قیچی اند که هماره خود هستند و هر جریانی را از بین می برند....

---

ما در جلسه قبل قاعده درء را مطرح کردیم ولی بحث مهمی است اگر کار کنید با توجه به این که رشته شما هم مرتبط است و حتی اگر این موضوع را پایان نامه کنید؛ .....

اگر شما این قاعده را از زوایه «قاعده درء با توجه به اجرای حدود در عصر غیبت» بررسی و آن را موضوع مقاله یا پایان نامه قرار دهید، کار ارزشمندی است.

ما در یک موازنه هستیم از یک طرف ادله اجرای حدود و از طرفی قاعده درء .....

قاعده درء اصلش بسیار مشهور است . این مطلب که برخی از دوستان اشاره کردند که سندی ندارد، باید بررسی شود؛ این مرسله به خاطر آغوشی که علما به روی آن باز کرده اند، به وسیله آن ، گفته اند جبران ضعف سند می شود.....

مبنای خود ما هم همین است که اگر یک روایتی مورد اقبال فقها قرار گرفت و شهرت به دنبال آن افتاد، این را نمی توان به راحتی کنار گذاشت که بعد هم ادعا کنیم که اصطیادی است و بعد هم قدر متیقن بگیریم. قاعده درء را ما شکی در خصوص حضور او در فقه نداریم.. ولی من به شما بگویم که سر تا پای آن ابهام است.

مثلا تدرء الحدود بالشبهات ، اگر ما اطلاق عموم داریم، ولی شبهه هم داریم ؛ سوال این است که آن جا، جای اطلاق عموم یا شبهه است؟

من بحثی را چند سال قبل داشتم تحت عنوان مناسبات استصحاب با قاعده درء.....

مثلا کسی را فرض کنید که شیشه شرابی دارد که زمان بر آن گذشته است، شراب زمان بگذرد شک کنیم که از شراب بودن خارج شده یا نه ؛ چه اصلی برای آن داریم؟ استصحاب...

بنده معتقدم چیزی به نام قاعده درء مستقلا ما نداریم...

البته در سنی ها ، احمد بن حزم ظاهری، نظرش این است و در شیعه هم آقای خویی این نظر را دارند.

ما امری را که در آن شک نداریم این که در اسلام اثبات حدود به مراتب دشوارتر از مسائل دیگر است.

قتل را دونفر شهادت بدهند کافی می داند اما عمل منافی عفت را چهار نفر ..... و یا چهار بار اقرار کند ؛ بنده اگر یک بار اقرار کنم که صد میلیارد بده کار شما هستم حکومت یقه من را میگیرد ..... و حتی برخی معتقدند که در این گونه موارد و مواقع لازم هم نیست که قاضی اطمینان هم داشته باشد به صحت قول من ..... الا این که قاضی یقین کند که اقرار من مبنایی ندارد..

ولی در عمل کذا باید چهار بار اقرار باید باشد تا .....

تدرء الحدود ، حدش همین است ؛ سخت گیری در اثبات .....

مثلا این که شک کنیم که عالم بوده یا نه .....

و یا شک کنیم که در مورد شراب، آیا شراب بوده یا نه .....

این را از روی حس به شم می گویم نه حدس؛ به قدری این جاها شلوغ است...همین قاعده درء با استصحاب...یکی میگوید درء مقدم است و کسی دیگر می گوید استصحاب مقدم است ..... بحث این است که قاعده درء به عنوان یک قاعده ما نداریم...ممکن است شما سوال کنید که آیا این داستان غلط است و در شریعت نیست ؛ من ابدا چنین چیزی نمی گویم . عبارت هست ما باید آن را درست معنا کنیم ؛ سعی شارع بر اغماض است در حدود ؛ اصلا بدش می آید که کسی آن را دنبال کند .....

برخی فکر می کنند که اگر حدی را بیش از اندازه جاری کردند ، به نوعی فتح خیبر کرده اند؛ .....

ما نمی توانیم نسبت به قاعده درء صددرصد ملتزم شویم ؛ ما نمی توانیم بگوییم تا اقتصاد ما صد در صد اسلامی نیست .... پس فلان..

مثلا فرض کنید نسبت به یک کاری در جایی که حکومت سکولار هست ؛ قوانین هم، قوانین موضوعه بشری است؛ آیا این ها قوانین را به هم ربط می دهند؟ من دوست دارم این جا دوستان یک کار میدانی هم انجام دهند، فرض کنید در فرانسه که مهد حقوق موضوعه است؛ اگر چیزی را جرم انگاری میکنند، آیا می گویند این هم باید در کنار سایر شرایط باشد یا اینکه هر کدام لاین خودش را دارد...مثلا سرقت ..... یا این که کسی مزاحم دیگران شود، البته به نوعی و به شکل دیگری است که برای کسی پرونده شخصیت باز می کنند و با توجه به آن بستر بقیه موارد را بررسی می کنند .

در بحثی که درباره هیات منصفه بود(دادگاه هیات منصفه در قضا) دنیا هیات منصفه را صرفا به قالب جرم های سیاسی و یا اقتصادی می برد درحالی که گفتیم می شود که آن را به زمینه دیگر جرم ها هم برد و با توجه به آن قضاوت کرد.

تصور کنید که پرونده شخصیت درست شد و شما برایتان ثابت شد که فرد جاهل بوده است؛

روایت حلّی را برایتان بخوانم :

لو أنّ رجلاً دخل في الاسلام وأقرّ به ثمّ شرب الخمر و زنى و أكل الربا و لم يتبّن له شيء من الحلال و الحرام، لم أقم عليه الحدّ إذا كان جاهلاً، إلّا أنّ تقوم عليه البينة أنّه قرأ السورة التي فيها الزنا و الخمر و أكل الربا ...؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی اسلام بیاورد و به آن اقرار کند و پس از آن، شراب بنوشد، زنا کند و ربا بخورد، در حالی که جاهل باشد و چیزی از حلال و حرام برای او بیان نشده باشد، من او را حد نمی زنم؛ مگر اینکه بینه علیه او شهادت دهند که سوره ای را که در آن، حکم زنا، شراب و رباخواری آمده، خوانده است.

بعد امام علیه السلام در ادامه فرمودند: اذا جهل ذلك اعلمته و اخبرته فان ركبہ بعد ذلك جلدته (يعني اقمته عليه الحد)....

ما این سخن امام را داریم و از طرفی هم عده ای می آیند و میگویند این ها و این گونه اقامه حدودها مربوط به جامعه ای است که همه چیز آن درست باشد.... که البته سخن درستی نیست.

و یا ممکن است کسی ادعا کند جامعه ای که فقیهی در راس هرم قدرت نیست نیاز به پیاده کردن این احکام ندارد چون د رواقع جامعه، جامعه اسلامی نیست...

میدانید چه کسانی این حرف را می زنند؟ کسانی که اجرای حد را از شئون ولی فقیه می دانند.

ولی خود ما به این قضیه معتقد نیستیم؛ معتقدیم اگر کسی عهده دار کار شد باید اجرای حدود کند منتها نباید خلاف کند...

در خصوص عناوین ثانوی هم باید بگوییم همه چیز صحیح است منتها بشرطها و شروطها .....

برخی مثلا ادعا می کنند که ما که عزاداری می کنیم دنیا چه تلقی دارد؟ بحث این است که دنیا نسبت به نماز ما هم اعجاب دارد و شاید بسیاری از مناسک و مراسمات دیگر را هم تفهیم نباشد..

به هر حال عقب نشینی به نوعی وادادگی است اما از آن طرف هم افراط کار صحیحی نیست .

به هر حال باز دوباره مطرح می شود که آیا برخی از اشکال حدود را می توان ملتزم شد؟

که معتقدیم، نمی شود.

منتها من علی الحساب تفصیل میدهم البته این قضیه در خصوص اجرا است

من یک مقاله ای دارم راجع به رجم از سایت جامعه مدرسین می توانید بردارید....

یکی از آقایان مطرح کرد که رجم تراث یهود است.....یهودی انگاری حدود.....

ایشان مطرح کرد که رجم دلیلی ندارد!!

و در ادامه ادعا کرد که: دو تا روایت در این خصوص داریم که ضعیف السند است از ابوهریره و...و این تراث یهود است....

من در پاسخ به ایشان عرض کردم که ما چیزی نزدیک به صد روایت در این خصوص داریم .....البته با جزئیات آن و....

منتها من گفتم که من دفاع از اصل حکم الهی می کنم .

ولی این که الان باید اجرا شود من نظر در این خصوص نمیدهم .

اگر هم به من بگویند نظرت در این باره چیست؟ می گویم حدیث امام علی علیه السلام

دو روایتی هست که امام علی علیه السلام می فرمایند که اجرا نکنید..

برخی از فقها فتوا به حرمت داده اند و برخی فتوا به کراهت .....

ما آن جا سوال کردیم که چرا کراهت؟ آیا دلیلی دارید؟

از سویی هم ما نباید طالبانیزم عمل کنیم و بگوییم هر چه با د ا باد ؛ این صحیح نیست. ما مسئول بازتاب طبیعی کارهای خود هستیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آیه میفرماید: اگر شما حرفی می زنند که آن ها بد تعبیر میکنند شما یک جمله دیگر بگویید.

من مطلبی را که هماره مطرح کردم این که ما باید مدیریت کنیم مدیریت متضاد نماها را .....

مدیریت یعنی این که نه آرمانها زیر پا گذاشته شود و نه این که جامعه سیر قهقرایی پیدا کند ....

مجموعا این که ما نه تمامی موارد را درست قبول می کنیم و نه این که کلا درست کنار بگذاریم باید مدیریت کرد و اصولا مصلحت اقتضای مدیریت متضاد نماها را دارد نه باید به کل ، گرایش به یک طرف یافت و نه این که کلا هر دو را کنار نهاد و بی اعتنا شد.

رصد و مقارنه روش های اجتهادی معاصر یکی از آن ها بحث نظریه اطمینان است ما آن جا گفته ایم که کجا بازتاب فتوا در فرایند می آید یا کجا نمی آید. برخی بحث ها ضرورت خطرناکی است... ضرورت است از این لحاظ که نمی توان در استنباط و فرایند آن این گونه بحث ها را ملحوظ نداشت و خطرناک است از این لحاظ که مهار نشود.

چند نکته و در این خصوص من اکتفا صرفا به عناوین می کنم:

این بحث چند روز ما اختصاص به حدود داشت. نه به قصاص و نه به تعزیرات .....

البته برخی نگاه نقادانه دارند مخصوصا در خصوص بحث قصاص؛ و به نوعی آیات و روایات را تخته بند زمان و مکان کرده اند و معتقدند که این ها مربوط به همان زمان عصر حضور است.

اما بحث تعزیر کاملا منعطف است مخصوصا این که معتقد باشیم تعزیر به ید قاضی است.

نکته دوم : نگاه مصلحانه ....و عفو انگارانه .

ویک بحث جالب دیگر : تطهیر پنداری اجرای حکم

اگر این نوع نگاه را داشته باشیم کسی که نگاه منفی به اجرای حدود دارد قطعا نگاه او تغییر خواهد کرد.

و حتی در روایات هست که کسی که حد بر او جاری شده دیگر عذاب نمی شود و خداوند اعز و اجل است از این که دو بار کسی عذاب شود و حتی در رجم هم کسی که رجم می شود با همان لباس دفن می شود و حالت شهید را دارد .

بحث بعدی: نگاه عفو و توبه

بحث بعد : اصل بر جهل مگر این که ثابت شود.

سعی بر اغماض .....

سوالی که این جا مطرح می شود این که در عصر غیبت فقیه بالاستقلال اجرای حد می کند یا به نیابت از معصوم علیه السلام ؟

بحث بعد ما راجع به توبه است .....

بحث نو ما در مجموعه این بحثها همان راه های فرضی اختصاص بود که حالت پاسخ به شبهات هم بود.

بحث قاعده درء مطرح شد .....

ما عناوین ثانوی را پذیرفتیم ..... با توجه به بازتاب برخی حدود الان اصل بر عدم جواز است..... مثل رجم و قطع ید و قطع دست و پا از خلاف و .... این ها را نمی شود الان اجرا کرد .

اما از جهت مقابل هم این سوال مطرح می شود که اگر این جریان ، حکم الهی باشد که باید در هر شرایط اجرا شود چه باید کرد؟ به هرحال باید کار کرد . باید عالمانه بحث کرد و راه وسط را ارائه داد ؛ اگر این کار را بکنیم می توانیم به یک جمع بندی برسیم.....